

ترجمه‌ای غیر رسمی و غیر نهائی از

## بیانیهٔ جامعهٔ بهائی در مورد طبیعت

### مقدمه

در سپتامبر ۱۹۸۶ «صندوق جهانی طبیعت»<sup>۲</sup> با گرد هم آوردن نمایندگان از ادیان بودائی، مسیحیت، هندو، یهودیت و اسلام به همراه رهبران زیست‌محیطی در شهر آسیسی<sup>۳</sup> ایتالیا، «شبکهٔ دین و حفاظت از محیط زیست» را تأسیس نمود. هر کدام از پنج دین حاضر در آن گردهمایی بیانیه‌ای در مورد طبیعت ارائه دادند. در اکتبر ۱۹۸۷ جامعهٔ بهائی به عنوان ششمین دین اصلی، به عضویت این مجموعه درآمد و بیانیهٔ زیر را در راستای حمایت از اهداف این شبکه ارائه داد.

\*\*\*

«قل ان الطبیعةَ بکینونتها مظهر اسمی المبتعث و المکون و قد تختلف ظهوراتها بسبب من الاسباب و فی اختلافها لآیات للمتفرسین و هی الارادة و ظهورها فی رتبة الإمكان بنفس الامکان و أنها لتقدير من مقدر علیم.» (بگو طبیعت در اصل و حقیقت خود، جلوه‌ای از اسم من یعنی بوجود آورنده و مبعوث کننده است و با تغییر اسباب و علت‌ها، ظهورات او نیز تغییر می‌کند و در این اختلاف و گوناگونی، نشانه‌هایی برای جویندگان وجود دارد. طبیعت ارادهٔ پروردگار است. جلوه و ظهور او در عالم امکان و به نفس امکان و تقدیری از جانب خداوند مقدر و داناست.)

حضرت بهاء‌الله، بنیانگذار آئین بهائی با کلمات فوق رابطهٔ اساسی انسان و محیط زیست او را ترسیم می‌نمایند: عظمت و تنوع عالم طبیعت جلوهٔ معنادار شکوه و موهبت الهی است. معنای ضمنی این موضوع برای بهائیان لزوم احترام به طبیعت و حفاظت از آن به عنوان گنجینه‌ای الهی است که مسئولیت آن را بر عهده داریم.

<sup>۱</sup> ترجمهٔ نسخهٔ ۱.۲.۱

<sup>۲</sup> World Wide Fund for Nature (WWF)

<sup>۳</sup> Assisi

چنین دیدگاهی البته فقط منحصر به آئین بهائی نیست. تمامی ادیان بزرگ جهان به این پیوند بنیادین بین خالق و عالم خلقت اعتقاد دارند. چگونه می‌تواند غیر از این باشد؟ تمامی ادیان اصلی و مستقل جهان از یک منبع وحی از جانب خدای واحد سرچشمه می‌گیرند، خدای واحدی که پیام‌آوران خود را می‌فرستد تا نوع بشر را در مورد اراده و طریقت او تعلیم دهند. این موضوع در ذات اعتقادات بهائی قرار دارد.

تعالیم بهائی به عنوان تجلی اخیر وحی الهی، با شرایط فعلی جهان به نحو خاصی ارتباط پیدا می‌کند، شرایطی که در آن کل طبیعت توسط خطرات زاده‌انسان از جمله تخریب جنگل‌های بارانی و کابوس وحشت‌بار نابودی اتمی مورد تهدید قرار گرفته است.

یک قرن پیش حضرت بهاءالله اعلام داشتند که بشریت وارد عصر جدیدی شده است. این مرحله جدید که توسط تمامی پیام‌آوران ادیان گذشته به آن وعده داده شده است، سرانجام صلح و روشنگری برای تمامی بشریت به ارمغان خواهد آورد. اما برای رسیدن به آن نقطه، بشر ابتدا باید یگانگی بنیادین بشریت و همچنین یگانگی خدا و دین را تصدیق نماید. تا آن هنگام که تصدیق عمومی نسبت به این تمامیت و بهم‌واستگی وجود نداشته باشد، مشکلات بشریت وخیم‌تر خواهد شد.

حضرت بهاءالله می‌فرمایند: «اصلاح و راحت ظاهر نشود، مگر به اتحاد و اتفاق» و «فی الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن».

مسائل عمده‌ای که امروز جنبش زیست‌محیطی با آن‌ها مواجه است به همین نکته مرتبط هستند. معضلاتی چون آلودگی اقیانوس‌ها، انقراض گونه‌ها، باران‌های اسیدی و جنگل‌زدایی و در سرحد خود، فاجعه جنگ اتمی، هیچ کدام مرزی نمی‌شناسند و همه نیازمند رویکردی فراملی هستند.

اگر چه همه ادیان به همکاری و الفتی که برای غلبه بر این تهدیدها لازم است اشاره می‌کنند، متون و آثار بهائی همچنین دارای هدایاتی در مورد نظم سیاسی جهان نوینی هستند که یگانه راه حل بلندمدت به این مشکلات را ارائه می‌دهد.

حضرت بهاءالله می‌فرمایند: «ما جعله الله الدریاق الأعظم و السبب الأتم لصحته هو اتحاد من علی الأرض علی أمر واحد و شریعه واحده.» (آن چه که خداوند بزرگ‌ترین نوش‌دارو و کامل‌ترین وسیله برای سلامتی عالم انسانی قرار فرموده است، همانا اتحاد مردم زمین است بر امر واحد و شریعت واحد).

چنین نظم سیاسی نوینی که بر محور یک مجمع جهانی از ملل بنا شده و با یک پارلمان جهانی و هئیت اجرایی که می‌تواند تصمیمات آن را تحقق بخشند همراه است، بر اساس آثار بهائی همچین باید بر اصول عدالت اقتصادی، برابری نژادی، حقوق برابر زنان و مردان و تعلیم و تربیت عمومی استوار باشد.

تمامی این موارد به طور مستقیم با هر تلاشی در زمینه حفاظت از محیط زیست ارتباط دارد. مسئله عدالت اقتصادی یک نمونه است. در بسیاری از مناطق جهان، هجوم به جنگل‌های بارانی و گونه‌های در حال انقراض هنگامی صورت می‌گیرد که قشر محروم در پی حق مشروع خود برای بهره‌مندی از سهم منصفانه‌شان از ذخایر زمین برای به دست آوردن زمین زراعی درختان را قطع می‌کنند. آن‌ها نسبت به این موضوع ناآگاه هستند که در بلندمدت و به عنوان اعضای یک جامعه جهانی که اطلاع کمی از آن دارند، با این عمل خود امکان دارد به جای فراهم کردن زندگی بهتری برای فرزندان خود به طرز جبران‌ناپذیری به آینده آن‌ها صدمه بزنند. بنابراین هر تلاشی برای حفاظت از طبیعت باید به رفع نابرابری‌های بنیادین میان ثروتمندان و قشر محروم نیز توجه کند.

هم‌چنین ارتقاء سطح زنان تا برابری کامل با مردان می‌تواند با وارد کردن روح جدیدی از ارزش‌های زنانه به تصمیم‌گیری درباره منابع طبیعی، به آرمان‌های محیط‌زیست کمک کند. آثار بهائی اشاره می‌کنند که:

«... مرد چون جسماً و فکراً از زن قوی‌تر و زورمندتر بود بر او غالب و مسلط بود ولی حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است و اکنون هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است و به این مناسبت عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صلابت مردان...»

تعلیم و تربیت، به خصوص تعلیم و تربیتی که بر اصول بهائی مربوط به وابستگی متقابل انسان‌ها تأکید دارد، پیش شرط دیگری برای ایجاد آگاهی نسبت به حفاظت از محیط زیست در سطح جهانی است. اعتقادات آئین بهائی درباره وحدت و بهم‌وابستگی مشخصاً با مسائل زیست‌محیطی مرتبط هستند. بار دیگر از آثار بهائی نقل می‌کنیم:

«طبیعت عبارت از خواص و روابط ضروریه است که منبعث از حقایق اشیاء است و این حقایق کائنات هرچند در نهایت اختلاف است ولی در غایت ارتباط... عالم وجود را هیکل انسانی تصور نمایند جمیع اعضاء و اجزای هیکل انسانی معاونت یکدیگر نمایند لهذا حیات باقی است... به هم چنین مابین اجزاء کائنات از جهت مدد و استمداد نیز ارتباط عجیبی محقق که مدار بقای عالم و دوام این کائنات نامتناهی است.»

این نکته که چنین اصولی باید با مرجعیت ادیان همراه باشند و نه صرفاً برگرفته از منابع بشری، بخش دیگری از راه حل کلی مشکلات زیست محیطی ما است. انگیزه‌ای که در پشت بیانیه‌های آسیسی قرار دارد، شاهدهی بر این تفکر است.

شاید هیچ انگیزه‌ای قوی‌تر از دین برای تغییر اجتماعی وجود نداشته باشد. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «دین سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان است.» در تلاش برای ساخت یک اخلاق زیست محیطی جدید، تعالیم همه ادیان می‌توانند در کمک به الهام بخشیدن به پیروان‌شان نقش ایفا کنند.

به عنوان مثال، حضرت بهاء الله به لزوم محافظت از حیوانات اشاره می‌کنند. «لا تَنْظُرِ الْخَلْقَ اِلَّا بِعَيْنِ الرَّأْفَةِ وَ الْوِدَادِ لِأَنَّ رَحْمَتَنَا سَبَقَتْ الْأَشْيَاءَ وَ أَحَاطَ فَضْلُنَا الْأَرْضِينَ وَ السَّمَوَاتِ...» (ترجمه: خلق را جز به چشم مهربانی و دوستی نگاه نکنید چرا که رحمت‌مان از جمیع اشیاء سبقت گرفته است و فضل‌مان آسمان‌ها و زمین را احاطه کرده است...)

خود ایشان احساس تقدیر و عشق شدیدی نسبت به طبیعت ابراز داشتند که پیوند میان عالم روحانی و محیط زیست را در اعتقادات بهائی تشدید می‌کند. حضرت بهاء الله می‌فرماید: «عالم صحرا عالم ارواح است و عالم شهر عالم اجسام.»

این دوگانگی بین روحانیت و ماده‌گرایی نکته‌ای اساسی برای درک گرفتاری‌های امروز بشر است. از دیدگاه بهائی تهدیدهای عمده علیه محیط زیست در جهان ما، مانند خطر انهدام هسته‌ای، جلوه‌های یک بیماری جهان‌شمول روح انسان هستند، یک بیماری که مشخصه آن توجه بیش از حد به مسائل مادی و نوعی از خودمحوری است که توانایی ما برای کار کردن با یکدیگر به عنوان یک جامعه جهانی را تضعیف می‌کند. آئین بهائی بیش از هر چیز دیگر، به دنبال احیای روح انسانی و در هم شکستن موانعی است که مانع همکاری مفید و هماهنگ میان مردان و زنان از هر پیش‌زمینه ملی، نژادی یا دینی است.

برای بهائیان هدف از زندگی پیشبرد تمدنی پیوسته در حال پیشرفت است. چنین تمدنی تنها بر کره‌ای که بتواند خود را تداوم بخشد، قابل بنا شدن است. تعهد بهائیان نسبت به محیط زیست بخشی بنیادین از دین آن‌هاست.